



اعتراف داماد قلابی به سرقت مسلحانه

■ آرمین پینا

مرد ۳۵ ساله‌ای که خود را در فضای مجازی دندانی‌ز شک و خواستگار عاشق پیشه معرفی کرده بود، پس از جلب اعتماد دختر جوان و چیدن مقدمات از دواج، در اقدامی هولناک با تهدید کلت کمری طلاهای او را به ارزش ۲ میلیارد تومان سرقت کرد. متهم که سابقه زندان به خاطر مهریه و سرقت دارد، پس از دستگیری مدعی شد اجرای مهریه همسرش او را وارد دنیای جرم و فریب دختران دم‌بخت کرده است.

چند روز قبل، مأموران پلیس تهران با تماس تلفنی در جریان زور گریزی از دختر جوانی در یکی از خیابان‌های پایتخت قرار گرفتند و بلافاصله راهی محل حادثه شدند.

■ تهدید با کلت کمری برای سرقت طلاها

بررسی‌های اولیه نشان داد زورگیر، مرد جوانی است که لحظاتی قبل با تهدید کلت کمری، تمامی طلاهای دختر مورد علاقه‌اش را به زور گرفته و با خودروی خود را محل گرفته است. دختر جوان که از شدت ترس زبانش بند آمده بود، پس از انتقال به اداره پلیس لب به سخن گشود و گفت: «کارمند هستم و چند سالی است که مشغول به کارم. چندی قبل در فضای مجازی با مرد جوانی به نام فرید آشنا شدم که خودش را دکتر دندانی‌ز شک معرفی کرد. ارتباط تلفنی و پیامکی ما ادامه داشت و چند باری هم بیرون با هم قرار گذاشتیم تا اینکه به من پیشنهاد ازدواج داد. او ابراز علاقه کرد و من هم عاشقش شدم. تصور می‌کردم با ازدواج با یک دکتر دندانی‌ز شک خوشبخت می‌شوم، به همین دلیل به پیشنهادش جواب مثبت دادم. فردی می‌گفت خانواده‌اش خارج از کشور هستند و قبل از اینکه برای مراسم ازدواج به ایران برگردند باید مقدمات ازدواج را فراهم کنیم.»

■ نقشه شوم پشت پرده عشق مجازی

دختر جوان ادامه داد: «حاجتی کارت عروسی هم سفارش ندادم و تالار هم زورم کردیم و فریب پیمانعه هم پرداخت کرد، اما خبر نداشتیم که او با دیدن طلاهایم چه نقشه‌ای در سر دارد. فرید پیشنهاد داد ابراز تمایلی برای زندگی‌مان بخریم. باهم خانهای هم دیدیم. او گفت پول کم دارد و پیشنهاد کرد طلاهایم را بفروشم تا خانه را بخریم و بعد آن را به نام من بزند. فریبش را خوردم و قبول کردم، اما شرط گذاشتیم که پول فروش طلاها به حساب خودم واریز شود که قبول نکرد. هر چه اصرار کرد، نپذیرفتم تا اینکه ناگهان با کلت کمری که همراه داشت مرا تهدید کرد، تمامی طلاهایم به ارزش ۲ میلیارد تومان را گرفت و مرا به زور از خودرویش بیرون انداخت و فرار کرد.»

■ دستگیری متهم سابقه‌دار

با ثبت این شکایت، تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی پایتخت به دستور بازپرس پرونده وارد عمل شدند. بررسی‌های تخصصی نشان داد متهم مردی سابقه‌دار است که پیش از این چند بار به خاطر پرداخت مهریه و سرقت روانه زندان شده است.

با به دست آمدن این اطلاعات، مأموران موفق شدند فرید را شناسایی و در عملیاتی ضربتی او را دستگیر کنند. متهم در بازجویی‌ها به جرم خود اقرار کرد و تحقیقات از وی همچنان ادامه دارد.

■ پرداخت مهریه را مجرم کرد

متهم، سارق سابقه‌داری است که ادعا می‌کند زمانی زندگی خوبی داشته، اما وقتی همسرش مهریه‌اش را به اجرا گذاشت، مسیر زندگی‌اش تغییر کرد و وارد جرم‌گره سارقان شد.

■ خودت را معرفی کن؟

ستار هستم ۳۵ سال سن دارم.

■ پس «فرید» اسم مستعارت بود؟

بله. معمولاً برای فریب دختران جوان برای خودم اسم‌های مستعار انتخاب می‌کردم.

■ چرا تصمیم گرفتی دخترتان دم‌بخت را فریب بدهی؟

من هم مثل دوستانم زندگی خوبی داشتم تا اینکه عاشق همسرم شدم. وقتی به خواستگارش رفتم، شرط گذاشت به اندازه سال تولدش یک مهرش کنم، چون عاشقش بودم قبول کردم، اما فکر نمی‌کردم همین مهر به مرا به خاک سیاه نباشاند. چند سال اول زندگی‌مان خوب بود، اما کم‌کم با هم مشکل پیدا کردیم. او مهریه‌اش را اجرا گذاشت و من به زندان افتادم. همانجا بود که تصمیم گرفتم به بهانه ازدواج از دختران دم‌بخت کلاهبرداری کنم.

■ چه کاره بودی؟

حسابدار یک شرکت معتبر بودم و حقوق خوبی هم داشتم، اما هر چه داشتم و نداشتم را به همسرم دادم. بعد هم کم آوردم و به زندان افتادم.

■ سابقه سرقت هم داری؟

بله، وقتی به زندان افتادم، آنجا شیوه و شگرد سرقت از منازل را یاد گرفتم. بعد از آزادی شروع به سرقت خانه‌ها کردم و چند باری هم به زندان رفتم. اما آخرین بار تصمیم گرفتم شگردم را تغییر بدهم و به بهانه ازدواج از دختران دم‌بخت کلاهبرداری کنم.

■ شیوه و شگردت چه بود؟

خودم را در فضای مجازی دکتر دندانی‌ز شک معرفی می‌کردم. گاهی هم خودم را سرهنگ یا عناوین دیگر معرفی می‌کردم. البته در همه این زمینه‌ها اطلاعات کافی داشتم تا بتوانم اعتماد دختران را جلب کنم.

■ حسین فصیحی

یک میلیون و ۷۰۰ هزار جرمه برای نداشتن کلاه ایمنی، صدها هزار تخلف در تونل و پیاده‌رو، مرگ ۳۰۵ موتورسوار در کمتر از یک سال و ترافیکی فراتر از ظرفیت پایتخت؛ اینها فقط عدد نیستند، روایت تلخ خیابان‌های تهران‌اند. روایت جوانانی که میان فشار زندگی، سرعت و بی‌احتیاطی، آرام آرام به آمار مرگ‌های شهری اضافه می‌شوند.

تهران، شهری که نبض زندگی در آن با صدای موتور، بوق و عبورهای شتابان‌زده می‌تپد، سال‌هاست با بحرانی خاموش دست‌وپنجه نرم می‌کند؛ بحرانی که نامش «تصادفات موتورسیکلت» است، اما پیامدهایش فراتر از یک حادثه ساده ترافیکی است.

بر اساس آمارهای اعلام‌شده از سوی سرهنگ رابعه جوانبخت، رئیس مرکز جامع بر خط پلیس راهور تهران بزرگ در گفت‌وگو با «جوان» از ابتدای سال ۱۴۰۴ تا کنون، بیش از یک میلیون و ۷۰۰ هزار مورد اعمال قانون تنها به دلیل استفاده نکردن از کلاه ایمنی ثبت شده‌است، رقمی که نشان می‌دهد بی‌توجهی به ابتدایی‌ترین اصل ایمنی، همچنان یکی از جدی‌ترین معضلات پایتخت است. به گفته این فرمانده پلیس ضربه مستقیم به سر، مهم‌ترین عامل مرگ موتورسواران در تصادفات است؛ ضربه‌ای که در بسیاری از موارد، تنها با یک کلاه ایمنی استاندارد قابل پیشگیری بوده، اما سهل‌انگاری آن را به حکم مرگ تبدیل کرده‌است.

■ شهری فراتر از ظرفیت

نگاهی به آمار کلان حمل‌ونقل کشور، عمق بحران را آشکارتر می‌کند. در حال حاضر، بیش از ۱۹ میلیون و ۶۱۴ هزار دستگاه خودرو در کشور پلاک شده‌است که از این تعداد، ۴ میلیون و ۷۰۹ هزار دستگاه، معادل ۲۴ درصد کل خودروهای کشور، در تهران تردد می‌کنند.

در کنار این حجم خودرو، پایتخت میزبان حدود ۴ میلیون و ۷۰۰ هزار دستگاه موتورسیکلت نیز هست، آمار که نشان می‌دهد تهران، عملاً زیر فشار همزمان خودروها و موتورسیکلت‌ها نفس می‌کشد. این در حالی است که بیش از ۴ هزار و ۵۰۰ کیلومتر از معابر اصلی و فرعی پایتخت، تنها ظرفیت عبور حدود ۸۰۰ هزار خودرو با سرعت متوسط ۳۰ کیلومتر در ساعت را دارند؛ ظرفیتی که سال‌هاست از آن عبور شده‌است. از سوی دیگر، روزانه حدود یک میلیون و ۵۰۰ هزار خودرو وارد تهران می‌شود که تنها ۹۰۰ هزار دستگاه از آن خارج می‌شوند. به این ترتیب، هر روز نزدیک به ۶۰۰ هزار خودرو به عنوان بار اضافی، به تراکم ترافیکی شهر افزوده می‌شود. در چنین شرایطی، موتورسواران ناگزیر در فضای متراکم، پر تنش و بی‌نظم شهری حرکت می‌کنند؛ فضایی که کوچک‌ترین خطا، به

بحران حوادث

سرویس حوادث ۸۵۲۳۰۶۰

آسیب‌شناسی رفتارهای پر خطر موتورسواران در گفت‌وگو با سرهنگ رابعه جوانبخت، رئیس مرکز جامع بر خط پلیس راهور تهران بزرگ

وقتی موتور به تابوت متحرک تبدیل می‌شود

وقتی انتقاد به خشونت ختم می‌شود

در فیلم دوربین مخفی که اخیراً از رفتارهای پر خطر موتورسواران در معابر شهری منتشر شده، نتیجه بیش از تخلف و قانون‌گریزی جلب توجه می‌کند، نوع واکنش آنان به تذکر و انتقاد شهروندان است؛ واکنشی که اغلب از مرز گفت‌وگو عبور کرده و به پر خاشگری، تهدید و گاه درگیری فیزیکی ختم می‌شود. جایی که راکب متخلف در پاسخ به این پرسش که اگر تخلف صورت گرفته منجر به از دست رفتن جان عابر شود، وی با وقاحت می‌گوید که بیمه هزینه آن را می‌دهد یا اینکه پیاده‌رو و محل‌های ممنوعه را حق مطلق خود می‌دانند. این رفتار، نشانه یک بحران عمیق‌تر در لایه‌های روانی و اجتماعی شهر است؛ بحرانی که دیگر نمی‌توان آن را صرفاً با جرمه و برخورد انتظامی مهار کرد.

واقعیت این است که بخش قابل توجهی از موتورسواران شهری، در حاشیه نظم رسمی جامعه زندگی می‌کنند. ناامنی شغلی، فشار معیشتی، نبود حمایت‌های اجتماعی و احساس نادیده‌گرفته‌شدن، آنان را در موقعیتی قرار داده که هر گونه تذکر، به‌مانند حمله به شأن و هویت فردی‌شان تلقی می‌شود. در چنین شرایطی، واکنش خشن نه‌از س رات پر خاشگر، بلکه از دل احساس تحقیر پنهان برمی‌خیزد.

از منظر روان‌شناسی اجتماعی، بسیاری از این رفتارها محصول «توهم کنترل» است؛ یعنی فرد باور دارد مهارت شخصی‌اش مانع بروز حادثه می‌شود. به بیان ساده‌تر: خطر برای دیگران است، نه برای من. این خطای شناختی، پذیرش انتقاد را دشوار و اصلاح رفتار را ناممکن می‌کند.

در کنار این مسئله، باید به علای شدن تخلف نیز اشاره کرد. وقتی عبور از چراغ قرمز، حرکت در پیاده‌رو و خلاف جهت رفتن به یک هنجار روزمره تبدیل می‌شود، رعایت قانون رفتاری غیرمعمول جلوه می‌کند. در چنین فضایی، قانون‌گریزی نه جرم، بلکه نوعی «زنگی اجتماعی» تلقی می‌شود. این دگرگونی ارزشی، زنگ خطری جدی برای نظم شهری است.

بخش مهمی از مشکل، به ضعف ساختاری بازمی‌گردد. نبود مسیرهای ویژه، کمبود پارکینگ ساماندهی‌نشده مشاغل موتوروی و اجرای ناپیوسته قانون، زمینه‌ار برای بی‌نظمی مزمن فراهم کرده‌است. شهری که در آن نظم کالبدی وجود ندارد، نمی‌تواند انتظار نظم رفتاری داشته‌باشد.

از سوی دیگر، شیوه تذکر دادن نیز در این بحران بی‌تأثیر نیست. بسیاری از تذکرها با لحنی تحقیرآمیز و از موضع بالا بیان می‌شود. در نتیجه، مغز مخاطب به جای شنیدن پیام اصلاحی، وارد حالت دفاعی می‌شود. در این وضعیت، گفت‌وگو جای خود را به تقابل می‌دهد و خشونت بازتولید می‌شود. ادامه این روند، پیامدهایی فراتر از تصادف و تلفات جانی دارد. افزایش ناامنی روانی، فرسایش اعتماد اجتماعی، عادی‌شدن خشونت و تضعیف سرمایه اجتماعی، از نتایج پنهان اما خطرناک این وضعیت است. جامعه‌ای که در آن خیابان به میدان رقابت و بقا تبدیل شود، در بازو اند انجام خود را از دست خواهد داد. قانون‌رفت از این وضعیت عبور از نگاه صرفاً تنبیهی است. تجربه‌های موفق جهانی نشان می‌دهد که اصلاح پایدار، ترکیبی از آموزش، حمایت، نظارت و مشارکت اجتماعی است. آموزش مهارت‌های واقعی رانندگی، کلاس‌های بازآموزی، مشاوره کنترل خشم، سیاست‌های تشویقی برای رانندگان قانون‌مند و بازسازی رابطه پلیس و شهروند، از جمله اقدامات ضروری در این مسیر است. رسانه‌ها نیز نقشی کلیدی دارند. تغییر گفتمان از «برچسب‌زنی» به «مسئله‌محوری»، معرفی الگوهای مثبت و پرداختن به ریشه‌های اجتماعی، می‌تواند به جای ترس، انگیزه اصلاح ایجاد کند. رفتار پرخطر موتورسواران، آمیخته‌ای از ریشه‌های فرهنگی، فردی باشد، بازتاب زخم‌های روانی و ناکارآمدی‌های اجتماعی است. این که مسئله انسانی، روانی و شهری است، مسئله‌ای که حل آن نیازمند نگاه جامع، صبورانه و مسئولانه است.



وقوع تصادفات فوتی نشان می‌دهد بازه ۲۰ شب تا ۴ ساعت، ۲۳ تا ۲۴: خستگی، کاهش تمرکز و عجله عمدی از تصادفات، ریشه در تخلف‌های تکرار شونده دارد؛ تخلف‌هایی که برای بسیاری از موتورسواران، به بخشی از زندگی روزمره تبدیل شده‌است. به گفته سرهنگ جوانبخت در سال جاری، ۴۲۷ هزار مورد عبور از محل ممنوع ۲۳۳ هزار مورد تردد در خطوط ویژه ۱۳۴ هزار مورد عبور و توقف در پیاده‌رو ثبت شده‌است.

تول‌ها، به دلیل لغزدگی مسیر و محدودیت دید، از خطرناک‌ترین نقاط برای موتورسواران هستند. خطوط ویژه نیز که برای عبور امن طراحی شده‌اند، به مسیرهای پرریسک تبدیل شده‌اند. عبور از پیاده‌روها نیز مستقیماً امنیت عابران را تهدید می‌کند.

■ **جوانان: قربانیان اصلی**

طبق اعلام سرهنگ جوانبخت، ۴۳ درصد جان‌باختگان موتورسوار در تهران، در بازه سنی ۱۸ تا ۳۵ سال قرار دارند. این گروه سنی، به دلیل هیجان‌طلبی، تمایل به سرعت و ریسک‌پذیری بالا، بیش از سایر گروه‌ها در معرض مرگ قرار دارد. بسیاری از این جوانان، موتورسیکلت را ابزار کار، معاش و تخلیه فشارهای روانی می‌دانند؛ ابزاری که گاه به بهای جانشان تمام می‌شود.

■ **شب‌های خاک**

پایتخت براساس گزارش سرهنگ جوانبخت تحلیل ساعات

۴۴ درصد فوتی‌ها موتورسوار ۳۷ درصد عابر پیاده ۱۹ درصد خودرو را شامل می‌شوند. همچنین سال گذشته ۲۷۴ موتورسوار در سوانح رانندگی جان باختند، اما این رقم از ابتدای امسال تا ۳۰۵ نفر رسیده‌است؛ افزایشی نگران‌کننده که از تشدید بحران حکایت دارد.

■ **بحران اجتماعی پشت فرمان موتور**

این آمارها نشان می‌دهد مسئله، صرفاً «بی‌احتیاطی فردی» نیست. پشت این رفتارها، مجموعه‌ای از عوامل ساختاری وجود دارد از جمله فشارهای اقتصادی، اشتغال پرریسک پیک‌ها، ضعف آموزش رسمی، کمبود مسیرهای ایمن، اجباری ناپیوسته قانون و عادی‌شدن تخلف که همه این عوامل، محیطی پرخطر برای موتورسواران ایجاد کرده‌اند.

■ **مقصودی که ارزش جان را ندارد**

جمله پایانی سرهنگ جوانبخت، خلاصه این واقعیت تلخ است: «هیچ مقصدی ارزش آن را ندارد که کسی برای همیشه منتظر بماند.» پشت هر عدد، خانواده‌های داغدار و آینده‌ای از دست‌رفته پنهان است. بحران تصادفات موتورسواران، یک آسیب چندبعدی شهری و ملی است که با جرمه و برخورد مقطعی درمان نمی‌شود، بلکه حل این بحران نیازمند، آموزش مستمر و عملی، توسعه مسیرهای ایمن، حمایت از موتورسواران شاغل و فرهنگ‌سازی رسانه‌ای، اجرای عادلانه قانون و اصلاح زیرساخت‌های شهری است. تا زمانی که

سرعت، جای عقلانیت را بگیرد و قانون قربانی عادت شود، خیابان‌های تهران همچنان قربانی خواهد گرفت؛ قربانیانی که بسیاری از آنها می‌توانستند امروز زنده باشند.

حادثه‌ای بزرگ تبدیل می‌شود.

■ **تخلف: عادی که به فاجعه ختم می‌شود**

بررسی آمارهای پلیس راهور نشان می‌دهد بخش عمده‌ای از تصادفات، ریشه در تخلف‌های تکرار شونده دارد؛ تخلف‌هایی که برای بسیاری از موتورسواران، به بخشی از زندگی روزمره تبدیل شده‌است. به گفته سرهنگ جوانبخت در سال جاری، ۴۲۷ هزار مورد عبور از محل ممنوع ۲۳۳ هزار مورد تردد در خطوط ویژه ۱۳۴ هزار مورد عبور و توقف در پیاده‌رو ثبت شده‌است.

تول‌ها، به دلیل لغزدگی مسیر و محدودیت دید، از خطرناک‌ترین نقاط برای موتورسواران هستند. خطوط ویژه نیز که برای عبور امن طراحی شده‌اند، به مسیرهای پرریسک تبدیل شده‌اند. عبور از پیاده‌روها نیز مستقیماً امنیت عابران را تهدید می‌کند.

■ **جوانان: قربانیان اصلی**

طبق اعلام سرهنگ جوانبخت، ۴۳ درصد جان‌باختگان موتورسوار در تهران، در بازه سنی ۱۸ تا ۳۵ سال قرار دارند. این گروه سنی، به دلیل هیجان‌طلبی، تمایل به سرعت و ریسک‌پذیری بالا، بیش از سایر گروه‌ها در معرض مرگ قرار دارد. بسیاری از این جوانان، موتورسیکلت را ابزار کار، معاش و تخلیه فشارهای روانی می‌دانند؛ ابزاری که گاه به بهای جانشان تمام می‌شود.

■ **شب‌های خاک**

پایتخت براساس گزارش سرهنگ جوانبخت تحلیل ساعات

تحقیقات خود را آغاز کردند.

■ **روایت تلخ خانواده**

خانواده مقتول در تحقیقات اولیه اعلام کردند پسرشان دانش‌آموز بوده و

در کنار تحصیل کار هم می‌کرده‌است. یکی از اعضای خانواده با چنماشلی اشکبار گفت: «لحظاتی قبل از حادثه، پسرم برای خریدن سوپرمارکت بیرون رفت. کیسه زباله خانه هم پر بود؛ آن را همراه خود برد. چند دقیقه‌ای گذشت و خبری از او نشد تا اینکه صدای مهمم‌های از کوچه شنیدم. وقتی بیرون رفتم، دیدم همسایه‌ها دور پیکر خونین پسرم جمع شدند. فریادم به آسمان رفت. اورژانس رسید و او را به بیمارستان بردند، اما دیگر دیر شده بود.»

■ **راز گشایی دوربین‌های مدار بسته**

در گام بعدی، تیم جنایی به سراغ دوربین‌های مدار بسته اطراف محل رفت.

تصاویر به دست آمده نشان می‌داد نوجوان در حالی که کیسه زباله‌ای را دست داشته با تلفن همراهش صحبت می‌کرده‌است.

دوربین دیگری دو جوان موتورسوار نقاب‌دار نشان می‌داد که در گوشه‌ای از خیابان او را زیر نظر گرفته بودند. لحظاتی بعد موتورسواران به نوجوان

نزدیک می‌شوند؛ یکی از آنها پیاده شده و با تهدید چاقو قصد سرقت تلفن

همراه را داشته، اما مقاومت نوجوان، سارق را خشمگین می‌کند. مهاجم با

امید ۳ بیمار به ادامه زندگی

اعضای بدن مرد میانسال در شهرستان شاهین‌دژ مهاباد که به مرگ مغزی مبتلا شده بود به سه بیمار نیازمند پیوند شد.

عارف شجاع، مدیر شبکه بهداشت و درمان شاهین دژ گفت: بیمار ۶۰ ساله بعد از انتقال به مرکز درمانی به مرگ مغزی مبتلا شد و بعد از آن با رضایت خانواده‌اش اعضای بدن وی به بیماران نیازمند اهد شد. فرایند برداشت دو کلیه و کبد این مرد در بیمارستان امام خمینی (ره) ارومیه انجام و اعضای اهدای به بیماران نیازمند پیوند شد.

به جوان دوباره نگاه کن Javanonline.ir



بخشش قاتل به احترام ماه مبارک رمضان

فکر نمی‌کردیم ماجرا به قتل ختم شود.»

■ **حکم قصاص و ۱۵ سال حبس**

پس از تکمیل تحقیقات، پرونده به داد‌گاه کفیری ارسال شد. اولیای دم برای قاتل در خواست اشد مجازات کردند. قضات دادگاه، منصور را به قصاص محکوم کردند و همدشت نیز به ۱۵ سال حبس محکوم شد. این حکم پس از تأیید در دیوان عالی حکم برای اجرای حکم به شعبه اجرای احکام دادسرای امور جنایی تهران ارسال شد.

■ **بخشش در آستانه رمضان**

در حالی که قاتل در آستانه اجرای حکم قرار داشت، واحد صلح و سازش دادسرای امور جنایی تهران به سرپرستی قاضی محمد شهریاری وارد عمل شد و چندین جلسه برای جلب رضایت اولیای دم برگزار کرد. سرانجام چند روز مانده به ماه مبارک ک رمضان، خانواده مقتول در اقدامی خادپسندانه اعلام کرد بخشش به شرط پرداخت دیه، قاتل را به احترام این ماه می‌بخشند. با پذیرش این شرط از سوی متهم و خانواده‌اش، قاتل از جوبه‌را فاصله گرفت و بدین ترتیب قرار شد از جنبه عمومی جرم دوباره محاکمه شود؛ پرونده‌ای که با یک کیسه زباله آغاز شد و با گذشت و بخشش به نقطه‌ای متفاوت رسید.

چاقو ضرباتی به او وارد می‌کند و پس از ربودن گوشی، به همراه همدشتش از محل می‌گریزد.

■ **ردپای سارقان سابقه‌دار**

هر چند متهمان هیچ سرخنی در صحنه جرم بر جا نگذاشته بودند، اما بررسی‌های تخصصی پلیس، ردپای دو موبایل قاپ سابقه‌دار را آشکار کرد؛ افرادی که در همان محله‌ها دست به سرقت‌های سریالی می‌زدند. با شناسایی مظنونان، عملیات تعقیب و مراقبت آغاز شد و تیم جنایی خیلی

زود دو متهم را دستگیر کرد.

دو متهم به نام‌های منصور و بهراد ابتدا متکر هر گونه دخالت در قتل شدند، اما در مواجهه با شواهد مستندتاد لب به اعتراف گشودند.

متهم اصلی که ضربه مرگ‌بار را وارد کرده بود، در بازجویی‌ها گفت: «مدتی بعد در محله‌های جنوب تهران موبایل قاچی می‌کردیم. روز حادثه در حال پرسه‌زنی بودیم که پسر نوجوانی را دیدیم که کیسه زباله‌ای در دست داشت. وقتی تلفن همراهش را دیدم، تصور کردم به خاطر سن کمش می‌توانیم به راحتی گوشی‌اش را بگیریم. با چاقو تهدیدش کردم، اما مقاومت کرد. درگیری بالا گرفت و چاقو به او اصابت کرد. گوشی را برداشتیم و فرار کردیم.

اطلاعیه

به اطلاع عموم مردم فهیم شهر حسین آباد می‌رساند لایحه در آمدی تعرفه‌ای عوارض و بهای خدماتی سال ۱۴۰۵ شهرداری حسین آباد که به تصویب اعضای محترم شورای اسلامی شهر رسیده است در روزنامه جوان و کانال‌های فضای مجازی ای‌تا، تلگرام و اینستاگرام منتشر شد که علاقه‌مندان می‌توانند به آدرس‌های ذکر شده ذیل مراجعه فرمایند.

ای‌تا:

https://eitaa.com/shahredarihosseinabad

تلگرام:

https://t.me/Shahredarihosainabad۱۴۰۲

اینستاگرام:

https://www.instagram.com/shahrdari_hosseinabad?igsh=cWJtanowd۲ycDEy

روابط عمومی شهرداری حسین آباد

آگهی تغییرات موسسه غیر تجاری راوی نوین پیام سپیدار به شناسه ملی ۵۴۷۸۰۱۱۳۵۷۸۰۱۴۰۱ و به شماره ثبت ۵۳۹۸۷

به استناد صور تجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۱ و مجوز شماره ۲۷۳/۳۱۵/۲۶۶ مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۲ تصصیمات ذیل اتخاذ شد افراد ذیل بعنوان اعضای هیئت مدیره خارج از شر‌کاء به مدت ۲ سال انتخاب شدند(تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۱). آقای پژمان پور جباری با کد ملی ۰۰۶۳۲۰۱۵۴۹ بعنوان عضو هیئت مدیره . آقای مر تقی فاطمی نژاد با کد ملی ۰۰۷۰۴۲۸۳۷۹۵ بعنوان عضو هیئت مدیره . آقای فخرالدین بصیری خواه با کد ملی ۰۲۳۳۳۷۷۸۷۴ بعنوان عضو هیئت مدیره . آقای علی بیات سیدشهابی با کد ملی ۰۰۹۹۹۷۹۹۹۰۱۱۹ بعنوان عضو هیئت مدیره . آقای محمد حسن زاهدنیا با کد ملی ۰۴۳۳۳۹۸۹۹۵ بعنوان عضو هیئت مدیره .

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۳۱۳۲۱۷۰)